نگاهي به جهاني شدن و نابرابري با تأكيد بر ايران

فرشيد يزداني بروجني*

جهاني شدن وجوه مختلفي دارد . يكي از مهمترين وجوه آن كه به شدت بر سازوكارهاي نابرابري و فقر تاثير مي گذارد، تحرك و آزادسازي سرمايه است . اين تحرك علاوه بر ايجاد محدوديت براي نيروي كار در جهت كسب حداقل‌هاي معيشتي، با قدرت چانه زني بالاي خود در زمينه كاهش ماليات ها، به كاهش قدرت دولت‌ها جهت برقراري حمايت هاي لازم اجتماعي از نيروي كار و مردمي، كه بشدت از نابرابري‌ها رنج مي برند، مي شود. كاهش حمايت‌هاي اجتماعي، فقر در آمدي را به فقر قابليتي تبديل مي كند و پيامد ناگزير آن استمرار و تشديد در فقر و نابرابري است . بررسي ارقام مربوط به برخي از سازوكارهاي مرتبط با فقر نيز در ايران موييد همين اثرگذاري مي باشد. جهاني شدن با رويكرد ليبرالي در اين عرصه اثرات منفي زيادي بر سطح زندگي اكثريت مردم گذاشته است و بسياري چاره كار را در تلاش جهت تغيير

* كارشناس ارشد اقتصاد، كارشناس سازمان تأمين اجتماعي
<yazdani_far@yahoo.com>

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

رويكرد جهاني شدن از رويكرد بازار محور به رويكرد مردم محور دانسته اند و چاره را در گام نخست در بازيابي قدرت دولت ها جهت برقراري گسترده حمايت هاي اجتماعي و اعمال نظارت‌هاي اجتماعي بر سرمايه مي‌دانند.

كليدواژه‌ها: ايران، تحرك سرمايه، جهاني شدن، نابرابري
تاريخ دريافت مقاله: 84/3/22 تاريخ پذيرش مقاله: 84/8/1

"پپسي در كوه‌هاي آند، و مكدونالد در تبت يوسميتي* شده زمين گلف ژاپني‌ها و بحرالميت زنده است، به موسيقي رپ معجزه‌ست، معجزه‌اي ديگر با عنايت خداوند متعال و فشار بازار، نوع بشر متمدن شد. (Waters,1992) جهاني شدن كه در آن كاهش قيمت كفش بچه به بهاي از دست دادن شغل پدرش تمام مي شود، هيچ ارزشي ندارد"

(كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن، 1384)

مقدمه

"جهاني شدن" واژه‌اي دلنشين و بيشتر هولناك .

* يوسميتي (Yosemite) پارك جنگلي معروف در ايالت كاليفرني اي آمريكا است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

دلنشين از آن جهت كه مي تواند نويد تحقق هر چه بيشتر فرديت انسان، آزادي انديشه و بيان آن، گسترش آزادي هاي اجتماعي، افزايش آگاهي جمعي، تبادل وسيع اطلاعات به دور از كنترل، كشفيات جديد پزشكي و ... باشد و هولناك از آن رو كه ناشناخته هاي آن زياد است و برخي از نمودهاي آن از قبيل تجارت انسان و اجزاي بدن آن (ناشي از تسلط روحيه كالايي در كنار پيشرفت علم پزشكي)، ايدز، تخريب محيط زيست و صدمه به لايه ازن، تروريسم بين المللي، تشديد تضادهاي قو مي و نژادي، وضعيت نامناسب نيروي كار و آينده مبهم آن، بحران بدهي ها و ... كه ويراني انسان ها و انسانيت را نشانه رفته است. بدينسان شايد بتوان اساسي‌ترين مشخصه جهاني شدن را ابهام آميز بودن آن دانست. اما هر چه هست تبيين جنبه ها و اجزاي آن تكليفي بر برنامه ريزان، سياستمداران و سياستگذاران و انديشه ورزان جامعه است. گرچه شايد نتوان تمامي آنچه هست را به رشته تحرير در آورد.

آنچه در اين مقاله پي گر فته مي شود، تلاش در جهت تبيين جنبه هايي از جهاني شدن است كه به طور مستقيم بر وضعيت اكثريت مردم، كه همانا نيروي كار فاقد مالكيت است، از لحاظ توان درآمد و حفظ كيفيت زندگي اثرگذار است . لذا نخست به ترسيم

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نمايي كلان از جهاني شدن پرداخته شده و سپس با تكيه بر برخي اطلاعات توصيفي و آماري ت أثير جهاني شدن بر نابرابري و فقر مورد بررسي قرار گرفته است.

1) جهاني شدن و نابرابري

از جهاني شدن تعاريف مختلفي صورت گرفته است و از لحاظ تاريخي نيز بسياري آن را داراي قدمتي به قدمت نظام سرمايه‌داري دانسته‌اند و برخي ديگر آن را پديده اي متاخرتر. هر چه هست جهاني شدن پويشي تاريخي است كه در فرآيند توسعه نظام سرمايه‌داري كه در متن تغييرات شديد فن آوري شكل گرفته است. محمل اساسي آن "سود" است و در يك رويكرد تاريخي معاصر، به كاهش نرخ سود در سال‌هاي پاياني دهه 1960 برمي‌گردد، كه با توليد جهاني نيز مرتبط مي‌باشد. نرخ سود در اوايل دهه 1970 نسبت به دهه 1960، حدود 16 درصد افت داشت. روند رشد توليد ناخالص داخلي در جهان نيز به آغاز افت آن از دهه 70 اشاره دارد. همان‌گونه كه در جدول ذيل مشهود است نرخ رشد ت وليد ناخالص داخلي از حدود 5/3 درصد در 70-1950 به 4/3 درصد در دهه 70 رسيد. در واقع از آغاز اين بحران در اين دهه به عنوان مبناي جهان شدن مت أخر نام برده مي‌شود.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

جدول 1: متوسط نرخ رشد توليد ناخالص داخلي و صادرات جهاني

شرح	1950-70	دهه 1970	1980-2002
GDP	5/3	4/3	2/2
صادرات	7/9	6	4/6

مأخذ: WTO، 2004

سه تغيير مهم، جهت مواجهه با اين بحران توسط شركت‌هاي چندمليتي، برخي دولت ها و سازمان هاي بين‌المللي به عنوان مهم‌ترين نيروهاي محرك جهاني شدن، طراحي و اجرا شد. فرآيند انباشت از انباشت غيرمنعطف به انباشت منعطف صورت گرفت. سازمان توليد فوردي به سازمان توليد پسافورديسم (يا تويوتائيسم) تبديل شد و در نهايت اين‌كه پيوند بازارها و گسترش جغرافيايي آن پيگيري شد. محمل اجراي تمامي آن ها فن آوري، و به خصوص فن آوري ارتباطي و اطلاعاتي بود. گسترش بورس هاي بين‌المللي كه قدرت تحرك و ان عطافپذيري در انباشت سرمايه را مي‌داد مديون اين فن آوري بود، به تبع آن تغيير سازمان توليد و گرايش از توليد انبوه به توليد براي بازار، با فن‌آوري ارتباطات رابطه‌اي عميق داشت و شكستن استبداد جغرافيا جهت بسط بازارها نيز بر اين عامل تكيه داشت و "پيشرفت‌هاي حاصل شده در ارتباطات از راه دور و فن‌آوري اطلاعات، سرزمين‌زدايي توليد را امكان‌پذير ساخت". (نگري، هارت، 1384:286)

در اين‌جا لازم است اشاره اي به تحرك دارايي ها،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

به‌عنوان يك عامل مهم در ارتباط با توزيع درآم د و نابرابري در آن داشته باشيم.

اگر تحرك دارايي ها را به مفهوم محدود، تحرك دارايي‌ها و توليدات فيزيكي، بگيريم، نمود اين تحرك در حجم مبادلات جهاني كالاها تبلور مي يابد، چنانچه با تفسير موسع به اين موضوع نگاه كنيم، تحرك و نقل و انتقال سرمايه ـ كه تا حد زيادي از تجارت مستقل است ـ خيلي گسترده تر از حجم كل تجارت ج هاني است. با اين مفهوم ، انتقال و جابجايي سرمايه و دارايي مي تواند به عنوان قوه محركه اقتصاد جهاني مطرح باشد. در اين ارتباط موضوع جهاني شدن بازارهاي مالي را نيز مي توان به عنوان يك پس‌زمينه بحث در نظر داشت.

تحرك و گردش سرمايه، اصلي اساسي در روند حفظ، نگهداشت و ارتقاء سرمايه در فرآيند انباش ت به شمار مي رود. به‌خصوص در رژيم انباشت منعطف و انباشت فراملي اين مسئله اهميت مضاعف مي يابد، كه سرعت جذب آن در جستجوي فرصت‌هاي مناسب و گريز آن از موقعيت ريسك آميز نيز از اهميت زيادي برخوردار است.

اين سرعت جذب و گريز نقش مه مي در حفظ تداوم انباشت دارد و "سرمايه‌داري ناگزير به شتاب دادن زمان دوّران، افزايش سرعت گردش سرمايه و در نتيجه دگرگون كردن افق هاي زماني توسعه است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

همچنين سرمايه داري ناگزير است همه سدهاي مكاني را از پيش پا بردارد . (هاروي، 1989) اين توان تحرك سرمايه و شفاف يت آن مي‌تواند به تحقق حذف مرزها ياري رساند . اين ويژگي از چنان اهميتي برخوردار است كه برخي "مشخصه اصل اقتصاد جهاني آزاد را انتقال آزاد سرمايه از يك كشور به كشور ديگر به خاطر كسب منابع " مي‌دانند. (گريفين، 1996). اين ضرورت با "مقررات زدايي از بازار مالي جهاني به گونه‌اي كه اكنون جريان سرمايه تا حد زيادي از كنترل دولت ـ ملت خارج است ". (هاروي، 1989) و جابجايي سرمايه كه اكنون از طريق اقدامات شركت هاي چندمليت ي در حال انجام است، به انجام مي‌رسد. افزايش معاملات ارزي و داد و ستد بين المللي اوراق بهادار نيز در اين ميا ن حائز اهميت است. ارزش اين معاملات در "طي سالهاي 1985 و 1996 بيش از 10 برابر افزايش يافت . از سال 1989 تا 1995 بهاي صوري قراردادهاي بسته شده در هر سال به دو برابر رسيد و اين رقم تا سال 1996 به رقمي بالغ بر 41 هزار ميليارد رسيده است و اين رقم در آستانه ورود ب ه سال 2000 بالغ بر 500 هزار ميليارد دلار افزايش يافته ا ست. (فعال،1380) اين ارقام نشان دهنده گ وشه‌اي از تحركات سرمايه در سطح جهان است . تحرك سرمايه، كه همراه با عوامل مرتبط ديگر مانند "ايجاد

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بازار سهام جهاني، باز ارهاي سلف كالاهاي جهاني، معامله‌هاي پاياپاي نرخ‌هاي بهره و ارز، تحرك جغرافيايي شتابان پول " (واترز، 1995) موجبات ايجاد يك بازار واحد جهاني براي پول و اعتبار را فراهم ساخته است از مهم‌ترين نكات قابل توجه در اين بحث برشمرده مي‌شود.

تأثير پيشرفت فن‌آوري رايانه‌اي و همچنين گسترش كمي و كيفي سازمان بانك ها و شيوه‌هاي بانكداري كه نسبت به عوامل محدود كننده‌اي چون زمان، مكان و پول به سرعت بي تفاوت مي‌شود نيز در اين م يان تأثير بسزايي دارد . با اين فن آوري و سيستم بانكداري" يك خريدار انگليسي مي‌تواند از يك رهن در ژاپن بهره مند شود، يك آمريكايي مي تواند با عابربانك د ر هنگ‌كنگ از حساب خود د ر نيويورك برداشت كند و يك سرمايه گذار ژاپني مي تواند سهامي را از يك بانك اسكانديناويايي مستقر در لندن كه سهامش به استرلينگ، دلار و يا مارك فرانسه است، بخرد (واترز به نقل از تايمز مالي). حال شايد بتوان گفت كليد اصلي قدرت سرمايه در چنين امكاني نهفته است. سرمايه در هر جايي كه بويي از ريسك نامتنا سب با بازدهي خود ببيند، فرار مي كند و به سرعت محل امن خود را پيدا مي‌كند. اما با اين همه باز نمي تواند از بحران بگريزد، چرا كه بحران در ذات آن و هميشه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

همراه با آن است . در واقع اين سرمايه اس ت كه بحران را با خود به جايي مي برد، و چهره ديگر اين قدرت جابجايي سرمايه، تحرك زياد بحران است. اما به هر صورت تد اوم حيات آن به اين جابجايي است.

بحث انباشت منعطف و سرمايه گذاري‌هاي كوچك نيز تا حدودي برآيندي از اين مكانيزم تحرك و پويايي است. در سامان نوين سرمايه، جابجايي و سرعت جزء اصلي و پايه‌اي نظام انباشت به شمار مي‌رود.

كاستلز با عنايت بر تكيه زياد اين فرآيند بر فن‌آوري اطلاعاتي، از اين دوران به عنوان اقتصاد اطلاعاتي نام مي برد و تاكيد مي كند كه "ويژگي فرآيندگذار تاريخي به سوي جامعه اطلاعاتي، بدتر شدن گسترده شرايط كار و زندگي براي نيروي كار را در برداشت. (كاستلز: 325)

اقتصاد اطلاعاتي اي كه تامين كننده چ شم‌اندازي طبقاتي است و غالبا عامل ناآگاهي مردم است، سرمايه پوياست. كارگران منعطف و گوش به فرمان بوده و نقشي در اين ماجرا ندارند (تاب:117) و يا اين‌كه لااقل نقش بسيار محدودي دارند. اما در اين فرآيند چه اتفاقاتي براي نيروي كار افتاده است؟

ويژگي ديالكتيكي جهاني شدن به پ يدايش همزمان فرآيندهاي نظم و بي‌نظمي انجاميده است. در حالي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كه اقتصاد جهان در حال پيوند خوردن است، جوامع از همديگر فاصله مي گيرند."منابع جهاني شدن هم در ميان كشورها و هم در درون كشورها به گونه اي نابرابر توزيع شده است . فاصله ميان برندگان و بازندگان هر روز فزوني مي يابد. شكاف ميان كشورهاي غني و فقير عميق تر شده است. در پايان دهه 1990 بر خلاف آغاز آن دهه، در كشورهاي آفريقايي زيرخط صحرا و آمريكاي لاتين ، افراد بيشتري در فقر به سر مي برند (گزارش كميسيون هاي جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن ، 4:1384). به قول استگيتز؛ جهاني شدن كه هدف همگرايي را پي مي‌گرفت به واگرايي منجر شده است.

"سود" كه هدف گردانندگان آن بود، فزونش "فقر" را به عنوان طرف ديگر آن گسترش د اد. سهم نيروي كار از كل پرداختي‌ها به عوامل توليد از 23 درصد در 1989 به 17 درصد در 1996 رسيد و سرانه پرداختي سالانه نيروي كار به قيمت ثابت طي اين مدت از حدود 2400 دلار به 1850 كاهش پيدا كرد ." تفاوت ميان 20 درصد اول جهان و 20 درصد آخر جمعيت دنيا در پايان جنگ جهاني دوم به ن سبت 30 به يك، و در اوايل دهه 1970 به نسبت 60 به يك، و اكنون به نسبت 82 به يك است ". (بيرچام، چارلتون، 30:1383)

بحث فقر، توزيع درآمد و مصرف در عصر جهاني شدن

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

از جمله مسائل مهمي است كه به شدت خود را نمايانده است. چون رويكرد اساسي در جهاني شدن، حل مسائل سرمايه است كمتر به نيروي كار و انسان‌ها و آن هم انسان‌هاي فاقد سرمايه و مالكيت توجه مي‌شود. زيرا در "اقتصاد نظام سرمايه‌داري اگر قدرت خريد نباشد افراد به معناي واقعي وجود ندارند" (تارو، 1996) و ترازوي ارزش انسان ها با سنگ قدرت خريد كار مي‌كند و قدرت خريد افراد نيز به ميزان و نوع اشتغال آن‌ها بستگي دارد" و اينان (كارگران) تنها زماني مي توانند زندگي كنند كه كاري به دست آورند و فقط هنگامي مي توانند كاري به‌دست آورند كه كارشان بر سرمايه بي افزايد" (ماركس، انگلس، 1878)، كه با توجه به مباحث پيش گفته ـ به‌خصوص بحث انباشت و سازمان توليد ـ مي‌توان ابتدا به ساكن تصور كرد كه عده زيادي از جمعيت جهان كاري نخواهد يافت و در نتيجه فقر با آن‌ها همراهي مدام خواهد داشت.

جهاني شدن از اين جهت به قطبي شدن هر چه بيشتر دنيا به دارا و ندار كمك كرده است . اين قطبي شدن هم در درون جوامع ملي مشهو د مي‌باشد و هم در فضاي بين‌المللي. در جاهايي مي‌توان افرادي را يافت كه علي‌رغم وجود بيكاري و كم كاري بهره‌مندي‌اشان از مو اهب زندگي از افرادي كه در جامعه‌اي ديگر كار دارند، بيشتر است . و بدا به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

حال كساني كه در آن جامعه كار ندارند . يك وجه مهم از تاثيرات منفي جهاني شدن همين موضوع "افزايش نابرابري بين ملت ها و در درون ملت ها است" (سيف، 1378). نابرابري‌اي كه معضل بزرگي در مقابل انسانها و انسانيت است. معضلي كه مي‌تواند پيامد خطرناك احتضار فضيلت انسا نها را با خود همراه داشته باشد.

يك سياست مهم و تاثيرگذار در اين ز مينه سياست‌هاي تعديل اقتصادي است . اين سياست كه در راستاي ساماندهي انباشت فراملي شكل گرفت و "جزئي مهم از سياست جهاني نئوليبرال كه از طريق آزادسازي تجارت و بازارهاي ارز و... در كشورهاي وام‌خواه اجرا مي‌شود (يغمائيان، 1378)، پيامدهاي منفي زيادي براي كشورهاي مج ري آن به همراه داشته است."برآورد شده كه از سال 1982 به خاطر تمركز ضدمردمي و حتي قتل عام‌گونه‌ي برنامه تعديل ساختاري بانك جهاني ـ صندوق بين المللي پول، سالانه دست‌كم 6 ميليون كودك زير 5 سال مرده اند. اكنون حدود 1/2 ميليون نفر در جهان سوم در فقر مطلق زندگي مي‌كنند (تقريباً دو برابر ده سال قبل). از جنبه زيست‌محيطي، دامپروري عظيم تجاري و قطع درختان جنگل‌ها ميليون‌ها نفر مردم بومي را از زاد و بوم خود جدا كرده است . اكنون عموماً اذعان دارند كه ت أثير زيست محيطي صندوق

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

بين‌المللي پول ـ بانك جهاني بر كشورهاي جنوب به همان ويران‌گري تاثير اجتماعي و اقتصادي آن بر مردم و جامعه است. اين تخريب اقتصادي و اجتماعي در گزارش‌هاي سازمان ملل متحد نيز به خوبي مشهود است. (به نقل از ديويد سن بادهو، اقتصاددان IMF كه در سال 1988، از شغل خود استعفا داد)

در گزارش توسعه انساني 1998، آمده است كه مصرف عنان گسيخته بر فاصله ميان داراييان و تهيدستان مي‌افزايد، 86 درصد از هزينه هاي معطوف به مصرف شخصي را تنها 20 درصد از مردم جهان انجام مي‌دهند. مصرف جهاني كالاها و خدمات با افزايش معادل شش برابر نسبت به سال 1975 از مرز 24 تريليون دلار فراتر رفته است. اما بنا به نظر تهيه‌كنندگان اين گزارش ، پيامدهاي انساني اين الگوي مصرف نمي‌تواند قابل قبول باشد چرا كه نابرابري‌هاي فاحشي در رابطه با دست يابي به فرصت‌هاي مصرف براي مردم جهان وجود دارد و بيش از يك ميليارد نفر از برآوردن ن يازهاي مصرفي اساسي خود بازمانده اند. از ميان 4/4 ميليارد انساني كه در كشورهاي در حال توسعه زندگي مي‌كنند تقريبا سه پنجم آن ها در جوامعي به سر مي‌برند كه از خدمات اساسي بهداشت محيط محرومند، يك سوم آن‌ها آب آشاميدني سالم ندارند. يك چهارم فاقد سرپناه مناسب هستند يك پنجم بيرون از حوزه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

خدمات به داشتي امروزي قرار دارند . يك پنجم كودكان واجب التعليم به كلاس پنجم ابتدايي نمي‌رسند و معادل همين نسبت دچار سوءتغذيه‌اند.

در اين گزارش آمده است كه در حال حاضر يك پنجم مردم ثروتمند دنيا 45 درصد كل گوشت و ماهي جهان را مصرف مي‌كنند. متوسط مصرف پروتئين در فرانسه 115 گرم در روز و در موزامبيك 32 گرم است.

58 درصد كل انرژي جهان را 20 درصد مردم دنيا مصرف مي‌كنند در حالي كه مصرف 20 درصد مردم فقيرِ دنيا از 4 درصد كمتر است. 74 درصد خطوط تلفن در اختيار يك پنجم مردم جهان است. در آمريكا، سوئد و سوئيس بيش از 600 خط تلفن به از اي هر هزار نفر وجود دارد . در افغانستان و كامبوج فقط ي ك خط. ميزان سرانه انتشار گاز دي اكسيدكربن در آمريكا 21 تن در سال و در چين 3 تن است. يك پنجم مردم فقير جهان، كه از كل دي اكسيدكربن سالانه دنيا فقط مسئوليت انتشار 3 درصد آن را به عهده دارند، در معرض بيشترين مخاطرات زيست‌محيطي از قبيل بالا آمدن آب درياها، قرار دارند. و اين تشديد نابرابري به همين صورت ادامه دارد . بنا به گزارش توسعه انساني سازمان ملل در سال 1999 نابرابري در ميان كشورهاي جهان و در درون كشورها از سال 80 بي‌وقفه ادامه داشته است.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در سال‌هاي پاياني دهه 90 يك پنجم جمعيت جهان با بالاترين سطح درآمد 0/86 توليد ناخالص 0/82 بازارهاي صادارت و 0/68 سرمايه‌گذاري مستقيم خارجي را در اختيار داشتند. در حالي كه سهم يك پنجم فقيرترين جمعيت جهان از اين عرصه ها تنها 0/1 بوده است" (گزارش كنگره جهاني اتحاديه هاي كارگري، دهلي‌نو، 2000). توزيع ثروت نيز در اين ميان قابل توجه است. مطابق آمارها 86 درصد ثروت جهان فقط به 22 درصد جمعيت جهان تعلق دارد (همان) و به نظر مي‌رسد كه با توجه به اين‌كه يك ويژگي جهاني شدن تقويت توزيع نابرابر ثروت ميان بخش‌هاي مختلف جهان و "افزايش فاصله مي ان بخش‌هاي توسعه يافته و توسعه نيافته جهان است " (امين، 1998) اين روند رو به تشديد است.

در زماني كه سه نفر از ثروتمندترين مردان جهان ثروتي بيش از مجموع توليد ناخالص داخلي 48 كشور از فقيرترين كشورهاي جهان را دارند، دارايي 15 نفر از ثروتمندترين‌هاي جهان از توليد ناخالص داخلي سراسر آفريقاي جنوب صحرا بيشتر است و سرانجام اين‌كه ميزان دارايي 84 سرمايه دار بزرگ جهاني متجاوز از توليد ناخالص كشور چين است كه 1/2 ميليارد نفر جمعيت دارد" (لاتوش، 1999) و دارايي خالص 200 نفر از ثروتمندترين افراد جهان طي 4 سال در سال 1998 به دو برابر و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

به بيش از يك تريليون دلار افزايش (گزارش كنگره جهاني اتحاديه هاي كارگري، 2000) مي‌يابد. بنا به برآورد سازمان ملل متحد در سال 2003 بيش از 1/1 ميليارد انسان با درآمد كمتر از يك دلار در روز زندگي مي‌كنند. 510 ميليون نفر در جنوب آسيا و 220 ميليون نفر از مردم آفريقا زير خط فقر زندگي مي‌كنند 300 ميليون كودك در سراسر جهان به علت سوء تغذيه دچار عقب ماندگي رشد هستند . سوءتغذيه، كمبود پروتئين و انرژي شايع ترين علت مرگ‌ومير كودكان زير 5 سال در سراسر جهان مي‌باشد و بنا به گزارش يونيسف شمار كودكان خياباني در دنيا برابر 135 ميليون مي‌باشد. چهره مهيب جهاني شدن بيشتر خود را نشان مي‌دهد.

به جز در كشور چين كه تعداد فقرا كمتر شده است، تعداد فقرا در آسياي ميانه، آمريكاي لاتين و منطقه كارائيب به ترتيب به 82، 14 و 8 ميليون نفر طي سال هاي 2000-1990 افزوده شده است . رشد نابرابري در سال هاي اخير آمريكا را از ملتي با طبقه متوسط به كشور فقرا و ثروتمندان تبديل كرده است" (تاب: 35) و در طي سال هاي 2000-1975 سهم 1 درصد بالاي صاحبان درآمد در آمريكا، كانادا و انگليس از حدود 8 درصد درآمد ناخالص به نزديك 17 درصد رسيده است. مقايسه بين درآمد سرانه فقيرترين كشورها نيز بيانگر گسترش اين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شكاف است.

جدول 2: درآمد سرانه فقيرترين و ثروتمندترين كشورها

	فقيرترين	ثروتمندترين	نسبت فقيرترين به ثروتمندترين(درصد)
1960-62	212	11417	1/8
2002-2000	267	32339	0/2

مأخذ: كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن، 1384

يك موضوع مهم چشم انداز استمرار فقر است. عوامل تشديدكننده فقر قابليتي كه داراي ارتباط مستقيم با فقر درآمدي است، آينده چندان اميدوارکننده‌اي در صورت استمرار اين ساز و كار ترسيم نمي‌كند. در تبيين فقر قابليتي گفته مي‌شود كه بر حسب شاخص هاي انساني و اجتماعي ارزيابي مي‌شود، "توجه اصلي معطوف ارتقا ظرفيت‌هاي انساني و كسب توانايي هاي اداره يك زندگي شرافتمندانه است. از اين رو نه تنها بر دسترسي به تغذيه كافي و مسكن مناسب تاكيد مي‌شود، بلكه توانايي دسترسي به خدمات ب هداشتي، آموزشي، مشاركت در تصميم‌گيري و حفظ عزتنفس را نيز شامل مي‌شود" (راغفر،1384). حال آنكه سازوكار پيش گفته در خصوص تحرك سرمايه ها و رقابت كشورها براي جذب سرمايه‌گذاري خارجي به كاهش كاركرد دولت ها در حمايت از شهروندان در مقابل بازار جهاني منجر مي‌شود و در نتيجه نابرابري افزايش پيدا مي‌كند.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

در 30 كشور ثروتمند جهان، ميانگين ماليات شركت‌ها از 37/6 درصد در سال 1996 به 30/8 درصد در سال 2003 رسيده است.

اين امر مبين اين واقعيت است كه "ظرفيت مالي دولت كاهش مي‌يابد و اين امر به كاهش هزينه هاي دولت در زمينه هاي بهداشت، آموزش، تورهاي امنيت اجتماعي، خدمات ت وسعه كشاورزي و كاهش فقر كه براي مردم فقير حياتي است منجر شده است " (كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن : 54) و در واقع يك جابجايي بار هزينه اي از دوش صاحبان سرمايه به نيروي كار صورت مي‌گيرد و چون هزينه‌هاي زيرساختي و حمايت‌هاي اجتماعي ـ به‌خصوص در زمينه آموزش و بهداشت ـ كاهش مي‌يابد افزايش نابرابري‌ها تشديد مي‌شود و فقر درآمد ب ه صورت فقر قابليتي امتداد مي‌يابد. نگاهي به هزينه هاي آموزشي در كشورهاي مختلف طي سال هاي 2000-1992 كه اكثرا داراي افت بودند خالي از فايده نيست.

اين در حالي است كه از 680 ميليون كودك در كشورهاي در حال توسعه، 115 ميليون، كه 65 ميليون آن دختر هستند، به مدرسه نمي‌روند و فقط نيمي از آن‌ها نيز كه به مدرسه مي‌روند، مدرسه ابتدايي را به پايان مي‌رسانند. لازم به ذكر است كه مطابق گزارش يونيسف در خصوص وضعيت كودكان در 2005، در كل جهان 440 ميليون كودك در سن مدرسه به مدرسه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نمي‌روند. اين تضيع و فشار به مردم در حالي است كه دست صاحبان سرمايه براي خروج و جابجايي كاملاً باز است و حتي در برخي مواقع (مانند موافقتنامه نفتا) در صورت ايجاد محدوديتي توسط دولت مي‌توانند شكايت كنند، اما دولت ها روز به روز محدوديت بيشتري براي حمايت از نيروي كار خود پيدا مي‌كنند.

به نظر مي‌رسد مجموعه آنچه گفته شد، به انضمام مسائل ديگري مانند مسائل مربوط به تخريب محيطزيست، استمرار فقر را در پي داشته باشد . نگراني‌اي كه علاوه بر مخالفان جهاني شدن، بسياري از موافقان آن را نيز به اندي شه واداشته است. نگراني فزاينده اي در مورد جهت گيري جهاني شدن احساس مي‌شود." امتيازات جهاني شدن براي شمار كثيري از مردم بسيار مبهم، اما خطرات آن كاملاً واقعي است و بي‌ثباتي آن توانگر و تهيدست، هر دو را تهديد مي‌كند. ثروت‌هاي كلان در حال توليد شدن است. اما مشكلات بنيادين فقر، حذف و نابرابري همچنان به قوت خود باقي است . (كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن، 3:1384)

2) نظري به نابرابري در ايران

گرچه به باور بسياري ايران هنوز آن چنان درگير"جهاني شدن" نشده تا بتوان برآيند دقيقي از رابطه آن دو ارائه كرد، اما در جه ان كنوني

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نمي‌توان منكر ت أثيرگذاري و تاثيرپذيري متقابل يك جز از ديگر اجزا شد و همسويي برخي از پارامترها نيز بر اين ارتباط به نوعي تاكيد دارد. گرچه بنا به دلايلي چون تكيه بر درآمدهاي نفتي ـ كه تا حدودي احساس نياز به سرمايه خارجي را تعديل مي‌كند ـ در كنار روي كردهاي سياسي و آماده نبودن شرايط ج هت گسترش اين ارتباط، كمتر رابطه‌اي، در مقايسه با بسياري كشورهاي ديگر صورت گرفته است، اما از بسياري از جنبه ها اين ارتباط شكل گرفته است. شايد بتوان گفت مهم‌ترين وجه تاثيرپذيري از فرآيند جهاني شدن در ايران در پذيرش توصيه هاي نهادهاي بين‌المللي ـ چون IMF و WB ـ در پذيرش سياست هاي موسوم به تعديل اقتصادي بوده است كه از سال هاي پاياني دهه 60 آغاز گرديد و استمرار آن در قالب سياست هاي آزادسازي و خصوصي سازي عينيت بيشتري پيدا كرد. سياست‌هايي كه در سال هاي اخير توسط خود ط راحان آن نيز زيرسؤال رفته است.

با اين مقدمه و توجه به سازوكارهاي كلان توضيح داده شده در قسمت قبلي نگاهي خواهيم داشت به برخي شاخص‌هاي مرتبط با فقر و نابرابري در ايران از سال‌هاي پاياني دهه شصت و دهه هفتاد.

گفته مي‌شود در طي برنامه اول توسعه "جمعيت زيرخط فقر نسبي افزايش يافته است (مؤسسه عالي

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

آموزش و پژوهش مديريت و برنامه ريزي، 1380:15-10")، كه به عنوان يكي از علل مهم آن مي‌توان به كاهش تدريجي اعتبارات براي سهميه‌بندي كالا و لاغر شدن كمربند حمايتي دولت اشاره كرد. در طي دوره 75-1365 سهم ارزش افزوده خدمات عمومي از GNP از حدود 13/2 درصد به زير 9 درصد رسيد و در كنار آن در دهه 70 نسبت پرداختي‌هاي عمومي و اجتماعي دولت به كل پرداختي ها روند كاهشي به خود گرفت. (جدول شماره 3)

جدول 3: نسبت پرداختي‌هاي عمومي و اجتماعي دولت به كل پرداختي دولت (درصد)

سال / بخش	1370	1375	1380
عمومي	9	8/1	7/2
اجتماعي	49/4	44/4	29

مأخذ: مركز آمار ايران، (82-1375)

هزينه‌هاي عمومي و اجتماعي به نوعي بيانگر اصلاح زيرساخت‌هاي اجتماعي و توانمندسازي اجتماع جهت مواجهه با فقر قابليتي نيز به شمار مي‌روند. سهم آموزش در هزينه هاي غيرخوراكي خانوارها طي سال‌ها 81-75 از 3/2 درصد به 3 درصد كاهش پيدا كرد و سهم بهداشت طي همين مدت از 10 درصد به 6/6 درصد. طي دهه 70 نسبت هزينه هاي غيرخوراكي بالاترين دهك درآمدي به پايين‌ترين از 20/3 برابر به 24/7 برابر افزايش يافت، يعني بين اين دو طبقه حدود 20 درصد بر شكاف نابرابري افزوده شد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

امكان تحرك سرمايه ها، به خصوص به سواحل جنوبي خليج فارس و ايجاد مناطق آزاد با اين پيشفرض كه نيروي كار ارزان – يعني نيروي كار بدون حمايتهاي اجتماعي – در آنجا عرضه مي شود، جهت جلب سرمايه ها در كنار ناتوانمنديهاي مديريتي در عرصه كلان و شركتها، اشتغال غيررسمي را دامن زد. گسترش حاشيه نشيني و اسكان غيررسمي نيز در همين رابطه قابل ارزيابي است . نتيجه آنكه تعداد كودكان در سن مدرسه كه به مدرسه نمي روند از حدود 650 هزار نفر در سال 1375 به 1/280 ميليون نفر در سال 1382 بالغ گرديد. و بنا به گزارش مربوط به اهداف توسعه هزاره در ايران، نرخ بيكاري جوانان 24-15 سال از 21/8 درصد به بالاي 28 درصد رسيد . پديده كودكان كار و كودكان خياباني حاصل اين جريان است . فرآيندي كه مي تواند به تعميق و استمرار فقر در نسل هاي آتي نيز منجر شود . در حالي كه مطابق آمار تعداد پرونده هاي مختومه در دادگاه هاي كشور طي سال هاي 81-75 حدود 1/8 برابر شده است، جرائم داراي منشأ بيشتر اقتصادي رشد بالاتري داشته است . جرائم مرتبط با اختلاس و رشوه 2/7 برابر، سرقت 2/2 برابر، جرائم اطفال 2/6 برابر و عسر و حرج 5 برابر شده است. طي همين مدت تعداد بيكاران از 1/45 ميليون نفر به 3/4 ميليون نفر رسيده است،

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

كه اين امر بي‌ارتباط با جريان آزادسازي تجارت و رفع برخي موانع گمركي و در نتيجه واردات زياد و به تبع آن، افت در توليد نمي‌باشد.

تحولات در بازار مسكن نيز به عنوان يك شاخص ايجاد امنيت و نما يانگر برابري، ادامه همين روند را نشان مي‌دهد." اجراي يك دهه سياست هاي آزادسازي در بازار مسكن وضعيت مسكن اقشار كم‌درآمد به خصوص كارگران را با مشكلات زيادي مواجه كرده است" (سازمان ملي زمين و مسكن: 35)، و باعث شده است كه 4 دهك درآمدي پايين تقريبا از بازار رسمي مسكن خارج شوند كه نتيجه آن گسترش بازار غيررسمي و حاشيه نشيني بوده است. هزينه مسكن كم درآمد (دهك اول درآمدي) در كل هزينه‌هاي خانوار از حدود 25 درصد در سال 1365 به حدود 45 درصد در سال 1380 رسيده است. و براي دهك آخر اين نسبت از 18 درصد به 23 درصد افزايش يافته است. اين در حالي است كه تعداد اتاق براي كم‌درآمدها از 3/2 اتاق به 2/7 اتاق براي هر خانوار در دهه 70 رسيده، براي پردرآمدها از 5/7 به 6/2 اتاق افزايش يافته است. و در خصوص نرخ مالكيت نيز همين فرآيند تكرار شده و از 62 درصد به 56 درصد براي كم درآمدها رسيده است. (براي پردرآمدها تقريباً حدود 80 درصد ثابت بوده است).

مجموعه آنچه گفته شده بيانگر آن است كه

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

نابرابري در ايران در حال تعميق است، و بخش زيادي از اين نابرابري مربوط به سياست‌هاي تعديل اقتصادي و ارتباط با سازوكار جهاني شدن اقتصاد مي‌باشد. تحرك سرمايه ها از جمله مهم‌ترين اين عوامل مي‌باشد كه ضمن تضعيف دولت براي حمايت از نيروي كار و محدود كردن امكان مانور آن براي كاهش نابرابري‌ها، با گسترش نابرابري‌هاي توزيعي، فاصله گروه‌هاي درآمدي را نيز تعميق بخشيده است.

در پايان نگاهي به سهم درآمدهاي مالياتي ناشي از شركت ها و ناشي از ماليات بر درآمد، كه انطباق كلي آن را با بحث‌هاي نظري پيشيني مي‌توان مشاهده نمود نيز خالي از فايده نيست . همان‌طور كه در جدول ذيل مشهود است، نسبت درآمد مالياتي از شركت ها طي سال هاي 80-1365 به طور كلي روند نزولي داشته و از 36 درصد به حدود 29 درصد كاهش يافته و به جاي آن سهم ماليات بر درآمد از حدود 15/6 درصد به 20/7 درصد افزايش يافته است . اين امر به نوعي مبين جابجايي بار هزينه اي از بخش "سود" به بخش "دستمزد" مي‌باشد، كه به‌تبع، گسترش نابرابري امري بديهي در اين گونه توزيع سهم هزينه‌هاي اجتماعي خواهد بود.

جدول 4: نسبت درآمد مالياتي شركت‌ها و درآمدها به كل درآمدهاي مالياتي (درصد)

شرح	1360	1370	1380
ماليات بر	36	28	29/3

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

شركت‌ها			
ماليات بر درآمد	15/6	17/5	20/7

مأخذ: مركز آمار ايران، (82-1375)

3) نتيجه‌گيري

از جمله مهم‌ترين جنبه هاي جهاني شدن، آزادسازي بازارهاي مالي و تحرك با لاي سرمايه است . آزادسازي و تحركي كه وجه مقابل آن ايجاد محدوديت براي نيروي كار و دولت ها در پشتيباني از آن و كاهش هزينه هاي بنيادين (آموزش، بهداشت و...) است كه استمرار نابرابري و تشديد آن را در طي زمان در پي مي‌آورد. نقش دولت‌ها در اين بين تغيير مي‌كند"، ظرف دولت باقي است، اما كاركرد آن بيش از پيش انضباطي مي‌شود چرا كه سياست‌هاي دولت‌ها براي خدمت به كاركردهاي جهاني شدن از طرف سرمايه فراملیتي تجديد سازمان يافته است" (تاب: 87). در كنار آن كاهش نرخ رشد توليد ناخالص داخلي كشورها به اين محدوديت ها دامن مي‌زند. در هفتاد كشور درآمد سرانه امروز آن‌ها كمتر از سي سال پيش است و شمار كشورهاي با درآمد سرانه كمتر از 900 دلار (كشورهايي كه سازمان ملل آن‌ها را تحت عنوان"كمتر توسعه‌يافته" نام مي‌برد) طي اين 30 سال از 25 كشور به 49 كشور افزايش يافته است . يك نتيجه مهم اين فرآيند جابجايي بار هزينه هاي عمومي از سود شركت ها به

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

دستمزد نيروي كار است، كه در كنار ايجاد شكاف فزاينده ميان اقتصاد جهاني رسمي و اقتصاد محلي غيررسمي، ايجاد محدوديت بيشتر براي اكثريت مردم است. جهاني شدن كه همگون سازي آرزوها را پي مي‌گرفت به افزايش نابرابري ها رسيده است، گر چه اندكي از مردم در پوشش، خوراك و انديشه همگون شده‌اند اما جمع زيادي از فرآيند انباشت كنار گذاشته و به حاشيه رانده شده اند. اينان عمدتاً ناظر و قربانيان خاموش اين فرآيند هستند . تسلط قوانين اقتصادي بازارگرايانه بر قوانين و نهادهاي اجتماعي، معضلات اجتماعي جامعه بشري را دامن زده است و به واسطه تاثيرات متقابل و جهاني تحركات سرمايه ، اين اثرگذاري مضاعف شده است. رفتار يك صاحب سرمايه در اين سوي دنيا به ترك‌تحصيل فرزند كارگري در آن سوي دنيا مي‌انجامد. واگرايي و چندپاره‌گي بيشتر بين جامعه بشري دامن زده شده است. "عدالت اجتماعي" مي‌رود كه به آنچه هايك بدان معتقد بود بي انجامد و فاقد معنا شود و دارونيسيم اجتماعي به وجه بارزتري به عرصه عمل درآيد. به قول تهيه‌كنندگان گزارش كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن، عدم موازنه ميان اقتصاد و جامعه در حال نابود كردن عدالت اجتماعي است . عدالتي كه به باور رالز يكي از پايه هاي اوليه آن" آزادي فعاليت و

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

انتخاب شغل" است و "نفي آزادي مشاركت در بازار كار يكي از روش هاي نگه داشتن مردم در بردگي و اسارت" (سن: 21) به شمار مي‌رود.

بررسي‌ها و شواهد در ايران نيز موييد استمرار همين فرآيند مي‌باشد. محدوديت بودجه‌هاي مربوط به خدمات عمومي و اجتماعي در بودجه‌هاي دولت و كاهش سهم بودجه‌هاي آموزش و بهداشت در بودجه خانوار، افزايش سهم هزينه هاي مسكن، گسترش اشتغال غيررسمي و د ر كنار آن اسكان غيررسمي و حاشيه‌نشيني، افزايش چشم گير كودكان خارج از مدرسه و گسترش بيكاري جوانان، همگي بيانگر گسترش نابرابري در جامعه و احتمال تعميق و استمرار آن در فرآيند زمان مي باشد. گرچه درآمدهاي نفتي مي تواند ياريگري براي كاهش نابرابري‌ها به شمار آيد، اما نبود سازوكارهاي انسجام يافته و متكي بر انديشه و باوري جدي در اين عرصه، اين امكان را نيز به ناكارآيي كشانده است، و در نتيجه "عدالت اجتماعي" در عرصه ملي ما نيز با همان چالش جهاني روبرو شده است.

جداي از وجه ذاتي ويرانگري مناسبات انساني و ضد برابري نظام سرمايه، آنچه در اين شرايط به اين وضعيت دامن زده است، " آزادي سرمايه بدون نظارت اجتماعي" مي‌باشد (تاب:221). آزادي‌اي است كه مخل آزادي نيروي كار در انتخاب كار و روش

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

زندگي است و نتيجه آن شده است كه گفته مي شود"، آنچه جهاني شده است، توسعه نيست بلكه فقر است" (كاسترو، در جلسه افتتاحيه اجلاس جنوب). جهت كاهش پيامدهاي منفي جهاني شدن مبني براي ايجاد فقر و گسترش نابرابر آيا مي توان كاري كرد؟ جنبشهاي مردمي و ضد جهاني شدن ليبرالي كه يك نقطه عطف آن در نوامبر 1999 در سياتل شكل گرفت، در پي پاسخ اين سوال برآمده اند. تاكيد مكرر نه تنها اين جنبش ها كه نهادهاي بين المللي بي‌طرفتر بر اين است كه "مسير كنوني جهاني شدن بايد تغيير كند" (كميسيون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن، 1:1384) و بايد دانست كه "دسترسي بيشتر به بازار، داروي همه دردها نيست" (همان: 25) و به اين باور رسيد كه "ديدگاه غالب در مورد جهاني شدن بايد از دل مشغولي تنگنظرانه با بازارها به دل‌مشغولي گسترده تر با مردم تغيير كند " (همان: 14). طي اين فرآيند مستلزم بازانديشي گسترده در نقش دولت ها جهت حمايت از نيروي كار و گسترش خدمات اجتماعي ، گسترش سازوكارهاي كنترل كننده سرمايه و نهادهاي متكي بر مردم در راستاي توانمندسازي نيروي كار در مواجه با سرمايه است. توجه به بنيادهاي فقر، از قبيل بي سوادي، كم‌مهارتي، بيماري و فشار به دولت‌ها براي تلاش در جهت كاهش و رفع اين معضلات از جمله مهم ترين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

گام‌هاي موثر در اين فرآيند مي‌باشد.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

1. استگليتز، جوزف ، (2005). **جهاني شدن، بازارهاي نوظهور و اقتصاد نوين**، ترجمه احمد عليقليان، افشين خاكباز، طرحنو.
2. بانك جهاني با همكاري وزارت مسكن و شهرسازي، (1382). **سلسله گزارشات تدوين استراتژي بخش مسكن در ايران.**
3. بيرچام، اما . چارلتون، جان ، (1383). **ضدسرمايه‌داري**، ت رجمه اقبال طالقاني، نشرقطره.
4. تاب، ويليام، (1383). **فيل بي اخلاق، جهاني شدن و مبارزه براي عدالت اجتماعي** ، ترجمه حسن مرتضوي، نشرديگر.
5. تارو، لستر، (1376). **آينده سرمايه داري، تغيير و تحول ساختاري در نظام سرمايه داري**، ترجمه عزيز كياوند، نشر ديدار.
6. راغفر، حسين، (تابستان 1384). **فقر و ساختار قدرت در ايران** ، مجله رفاه اجتماعي شماره 17.
7. سازمان مديريت و برنامه ريزي، UNDP، (1382). **گزارش توسعه انساني سال 2003**، موسسه فرهنگي ابن‌سيناي بزرگ.
8. سن، آمارتيا ، (1379). **برابري و فقر** ، ترجمه حسن فشاركي، نشر شيرازه.
9. سوئيزي، امين، گلداف، اريكي، (1380). **جهاني شدن با كدام هدف؟**، ترجمه ناصر زرافشان، نشر آگاه.
10. سيف، احمد ، (بهمن 1378). **جهاني شدن توليد و تجارت**، مجله انديشه جامعه، شماره 9.
11. كاستلز، مانوئل، (1382). **عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبكه اي**، ترجمه احمد عليقليان، افشين

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

خاکباز، طرحنو.
12. کمیسیون جهاني بررسي ابعاد جهاني شدن ، (1384). **جهاني شدن منصفانه، ايجاد فرصت براي همه**، ترجمه عبدالاحد ع ليقليان، انتشارات علمي و فرهنگي.
13. گريفين، گيت، (1378). **مروري بر جهاني شدن و گذار اقتصادي**، ترجمه ﷺرضا فرزين، سازمان برنامه و بودجه.
14. مرکز آمار ايران (82-1375). **نتايج آمارگيري هزينه و درآمد خانوارهاي شهري.**
15. مرکز آمار ايران، سالنامه آماري سال هاي 1382 و 1375.
16. معاونت امور اجتماعي سازمان مديريت و برنامه‌ريزي کشور، (1382). **مجموعه عملکردهاي اصلاحات و اقدامات توسعه اي جمهوري اسلامي ايران در زمينه فقرزدايي (جهت ارائه به اجلاس دي -8).**
17. معاونت امور اجتماعي. سازمان مديريت و برنامه‌ريزي با همکاري دفتر سازمان ملل در ايران، (1384). **اولين گزارش اهداف توسعه هزاره جمهوي اسلامي ايران 1383.**
18. موسسه عال ي آموزش و پژوهش مديريت و برنامه‌ريزي، (1380). **مجموعه گزارش‌هاي همايش چالشهاي و چشم اندازهاي توسعه، دفترها ي اول و دوم.**
19. نگري، آنتونيو ، هارت، مايکل، (1384). **امپراتوري**، ترجمه رضا نجف زاده، نشر قصيده‌سرا.
20. واترز، مالکوم، (1376). **جهاني شدن**، ترجمه اسماعيل مرداني گيوي و سياوش مريدي، سازمان

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

منابع
References

مديريت صنعتي.

21. يزداني بروجني، فرشيد ، (1381). **تاثير جهاني شدن بر بازار نفت (با تاكيد بر WTO)**، پايان‌نامه كارشناسي ارشد.

22. يغمائيان، بهزاد . سخنراني در پائيز 1378 در مؤسسه مطالعات بين‌المللي انرژي.

23. يونيسف، (2005). **گزارش وضعيت كودكان جهان در سال.**

24. Fisher, Stanley, (2003). **"Globalization and its challenges"**.

25. Harvey, David, (1989). **"The Condition of Postmodernity"** Black Well, usa.

26. WWW.Global Policy.org. (2004)

27. WWW.WTO.Org. (2004)

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-01]